

فرهنگ ادبیات

یاد

در یادکرد دهمین سالمرگ رضا بروسان و الهام اسلامی

بادست و دلی باز برایشان گریستیم

<div> </div> 		<div> </div>
<div>آرش شفاعی</div>		
فرهنگ و هنر		

باتجربه و جوانی بوده‌که هرکدام در شعرراهی انتخاب‌کرده‌بودندو دراین مسیر، خوب‌واستوار پیش می‌رفتند. یکی از آنها، جوانی پرشرو‌وشور بود، فرزند شهید و شاعری که آن زمان شعر کلاسیک می‌گفت. غلامرضا بروسان که‌گاه‌در نشست‌های شعر، از‌کوره‌هم‌درمی‌رفت و شعر خیلی‌ها را قبول نداشت.

بعدها بروسان از مشهد به تهران آمدو باپسرش در پایتخت مشغول به کار شد. کتاب تازهای منتشر کرد به نام «بسته‌ای سیگار در تبعید». در این مجموعه، راهش را از شعر کلاسیک عوض کردو نشان داد چه استعدادی در شعر سپید دارد. دورادور از او خبر داشتم تا این‌که بعدها شنیدم با شاعر جوانی به نام الهام اسلامی ازدواج کرده است. وقتی کتابش در نخستین دوره جایزه شعر خبرنگاران برگزیده شد، نامش در محافل ادبی پایتخت و کشور هم مطرح شد. رضا بروسان، آرام‌تر و عمیق‌تر شده بود؛ هم خودش و هم شعرش. بعدها چندی‌باری دیدمش. مشخص بود که مسیرش را در شعر پیدا کرده است. شعرش هر روز بهتر و بهتری می‌شد. زبانی استوار را که اصالت فحاشی خراسانی داشت با جریان ساده‌نویسی روزگار به خوبی تلفیق کرده بودو تخیل بیقرار و تپنده‌اش به شعرش کمک می‌کرد که هر روز بیش‌تر اوج بگیرد. شعر الهام اسلامی هم در کنار همسرش، مسیری شگفت‌آور رو به پیشرفت راطی می‌کرد. کتاب «دنیا چشم از ما بر نمی‌دارد» او وقتی منتشر شد، در دو جایزه مهم ادبی یعنی جایزه شعر زنان (خورشید) و جایزه کتاب سال شعر جوان نامزد شد.

شعر هر دو ی آنان از احساسی عمیق و تخیلی قوی سرشار بود و استقبال جامعه ادبی از شعرهایشان نشان می‌داد که دوستان‌دارن شعر خوب و جاندار، کم شده خود را پیدا کرده‌اند و به آینده شعری این دو شاعر امید بسیاری بسته‌اند. تا این‌که آن روز تلخ در نیمه آذر ۱۳۹۰ پیش آمد. درست به خاطر دارم که آن روز روز تاسوعای حسینی همراه شده بود. ظهرگاه یکی از دوستان شاعر مشهدی پیام داد که گویا برای رضا حادثه‌ای روی داده است. با علی‌رضا بهرامی دوست شاعر و روزنامه‌نگارم در خبرگزاری ایسنا تماس گرفتم و قرار شد که او اطلاعات بیشتری از طریق خبرنگاران ایسنا به دست بیاورد و البته تماس دوباره او و تأیید خبر زیاد طول نکشید. آن روز شعر ایران به راستی از ته دل گریست، بسیاری به آینده شعری رضا بروسان و الهام اسلامی امید بسته بودند اما حادثه تصادف رانندگی باعث مرگ آن دو شاعر جوان و فرزند خردسال‌شان شد. امروز، ۱۰ سال از مرگ تلخ آن دو می‌گذرد اما حضور شعرشان در ادبیات و در میان مخاطبان شعر، زنده و محسوس است و همین نشان‌دهنده این است که ذات شعر، جاودانه و بی‌مرگ است حتی اگر شاعرش خیلی زود بمیرد و همگان با دست و دلی باز برایش گریه کنند.



اگر مُردم،
برایم بادست و دلی باز گریه کنید
داروهای شفا بخش را بیاورید،
بچینید روی رف آن طرف اتاق،
خواهرانم با صدای بلند در عصر گریه کنند
و همسرم صورتم را از باد برگرداند،
و به سمتی ببرد که دلم را ببرد.
اگر مُردم
بر می‌گردم و ترا چون رودخانه‌ای از نمک می‌نوشم.

غلامرضا بروسان

گاهی می‌خندم
گاهی گریه می‌کنم
گریه‌ام بیشتر اتفاق می‌افتد
به هر حال آدم
یکی از لباس‌هایش را بیشتر دوست دارد.

الهام اسلامی

یک کتاب با شعرهای ۲ شاعر کراهی

برگزیده شعرهای «جانگ جی یونگ» و «کیم یان رنگ»، دو شاعر کراهی با نام «گل‌های کاملیا» به صورت دوزبانه منتشر شد. این کتاب به عنوان دومین کتاب حوزه ادبیات کره جنوبی در ۲۲۲ صفحه و با قیمت ۶۲ هزار تومان توسط نشر پرنده منتشر شده است. در معرفی ناشر از «گل‌های کاملیا» می‌خوانیم: «گل‌های



گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

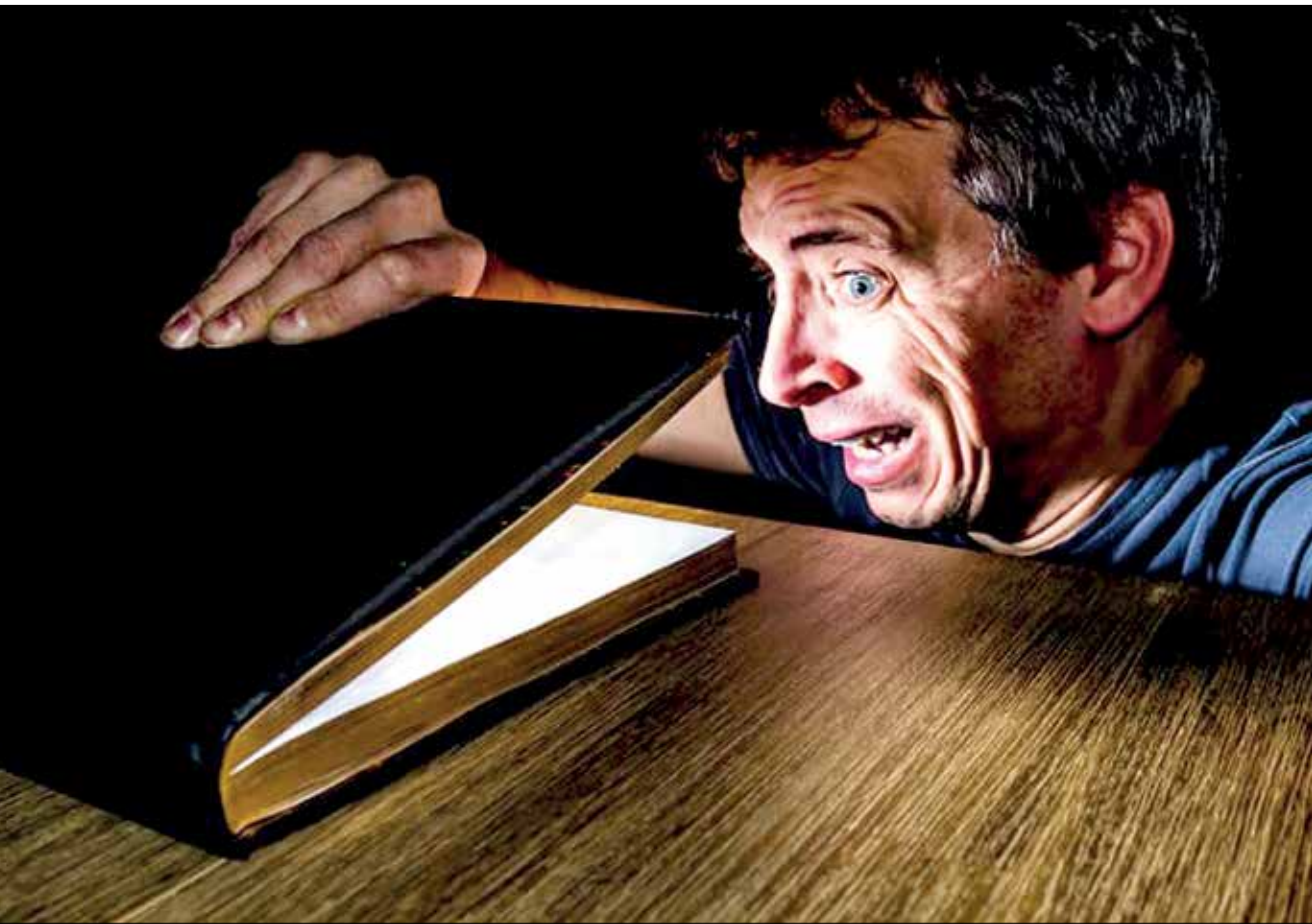
گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گل‌های کاملیا

گفت‌وگو با حسین مسعودی آشتیانی، مترجم رمان «وایولت»



گفت‌وگو با حسین مسعودی آشتیانی، مترجم رمان «وایولت»

آدم‌ها به این سادگی که می‌بینید، نیستند

<div> </div> 		<div> </div>
<div>حمید نورشمسی</div>		
جام جم		

رمان «وایولت» اثر اس جی‌آی هالیدی با ترجمه حسین مسعودی آشتیانی به‌تازگی از سوی نشر کتاب تداعی روانه بازار کتاب شده‌است. این رمان پرفروشی‌ترین رمان ژانر دلهره‌آور در انگلستان در سال ۲۰۱۹ بوده‌است.

از حسین مسعودی آشتیانی پیش از این نیز ترجمه‌های

قابل قبولی با عنوان دریاچه متروک، کتاب کوچک تنهایی، باتلاق شنی و شکار هیولا منتشر شده‌است. وی از مترجمانی است که به ادبیات ژانر وحشت و جنایی دل بسته است؛ ژانری که در جهان و این روزها ایران طرفداران پروپا قرصی دارد. به انگیزه انتشار این رمان با این مترجم جوان گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

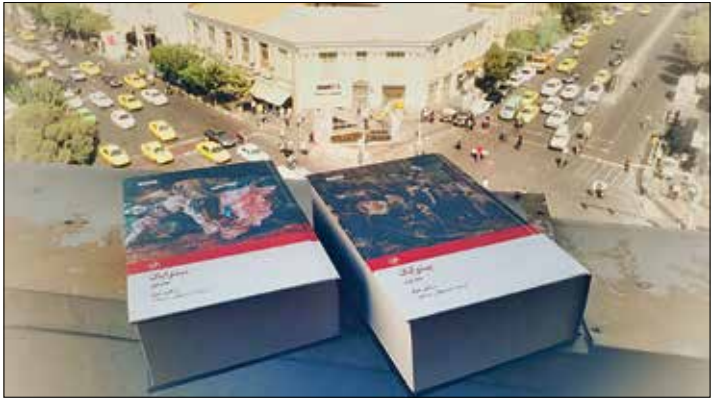
فرآیند پیشرفت در نویسندگی را با درخشش بسیار در داستان کوتاه آغاز کرده بود، سه‌گانه پرفروشی را منتشر کرده بود و حالا در سال ۲۰۱۹ به وایولت رسیده بود. آن هم به ما جرابی پرکشش از آشنایی ناگهانی دو دختر کاملاً ناآشنا با هم در کشوری غریبه که به رفاقتی خلق الساعه بدل می‌شود ولی کم‌کم در جریان همسفری آنها لایه‌های مختلف شخصیتی‌شان یکی‌یکی آشکار و به فجایی غیرقابل پیش‌بینی تبدیل می‌شود. نکته جالب توجه دیگر در این رمان که مرابه خود جلب‌کرد شیوه روایی بسیار متفاوت آن بود. هالیدی داستان خود را از زاویه دید هردوزن پیش می‌برد. یکی راوی اول شخص داستان است که اغلب ماجرا را از زبان او می‌خوانیم و روایت شخصیت دیگر داستان را از طریق ایمیل‌هایی که به خانواده و دوست نزدیک خود می‌نویسد به صورت موازی دنبال می‌کنیم. این شیوه از ارائه اطلاعات به خواننده، چنان به جذابیت اثر کمک کرده‌است که شما را تا پایان کتاب مشتاق خواندن آن نگه می‌دارد. همه این عوامل با یکدیگر به انتخاب و ترجمه وایولت منجر شد.

ژانر کتاب شما یعنی تریلرهای روانشناختی مدتی است در ایران هم مخاطبان پروپاقرصی پیدا کرده است. دلیل این امر چیست؟



مادر عصری زندگی می‌کنیم که همه اتفاقات با سرعت زیادی رخ می‌دهد و بدون توجه به تمایلات و روحیات درونی ما به مسیر خود ادامه می‌دهد. چنین ریتم سریعی از زندگی علاوه بر تغییر عادات روزمره، باعث نبود شناخت ناآشنا با هم در کشوری غریبه که به رفاقتی خلق الساعه بدل می‌شود ولی کم‌کم در دیگر نیازهای بشری می‌تواند از طریق تماشای فیلم، خواندن کتاب و... پر شود. ژانر تریلر روانشناختی این فرصت را به مخاطب خود می‌دهد تا با قرار گرفتن در مخاطره‌ای که نویسنده برای او مهیا کرده‌است فرصت تجربه تقریباً رایگانی را کسب‌کند که اصلاً از دنیایی که در آن زندگی می‌کند جدا نیست. مخاطب در این موقعیت به وجود آمده زیست کسانی را تجربه می‌کند که آنها را بارها در گذران زندگی خود دیده و به سادگی از کنارشان عبور کرده‌است. ژانر تریلر روانشناختی به ما می‌آموزد که آدم‌ها به این سادگی‌ها که در ظاهرشان می‌بینیم نیستند و می‌توانند در پس ظاهر خود موجودی باشند که قادر به انجام هرکاری هستند. بنده علت اقبالی که شما از آن حرف می‌زنید را این طور تفسیر می‌کنم: وجود فرصتی بی‌مخاطره برای خواننده در جهت تجربه کردن موقعیتی پرمخاطره.

شاهکار کلاسیک ادبیات فرانسه تجدید چاپ شد



اسقف مسیر زندگی ژان والژان را برای همیشه تغییر می‌دهد. مجموعه دو جلدی «بینوایان» یا جلد سخت و به قیمت ۳۸۰ هزار تومان از سوی انتشارات امیرکبیر در کتابفروشی‌های سراسر کشور عرضه شده‌است.

گذراندن دوره دکترای ادبیات فارسی در ایران است. مقدمه این کتاب نیز توسط دکتر سیدآیت حسینی، استاد دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران نوشته شده که عنوان آن «پرواز پرنده شعر نو در شرق آسیا» ست. ویراستار کتاب هم مرتضی کاردار است.

نویسندهای با یک دوجین جایزه



خانم هالیدی براساس آنچه در مقدمه کتاب آورده است، این رمان را براساس تجربه سفری که به دور دنیا و اختصاصاً قطار سریع‌السیر سیبری داشته، نوشته است؛ سفری که در این رمان در کشورهای چین، مغولستان، روسیه و آلمان نمود یافته است. هالیدی خواننده خود را با چنان وجوه بدیع و غریبی از این کشورها روبه‌رو می‌کند که شاید هرکسی نتواند تجربه آن را در زندگی خود داشته باشد. وقتی وایولت را می‌خوانی کاملاً متوجه می‌شوی که نویسنده در چنان شرایطی زندگی و در طول سفر خود با شخصیت‌های رمان خود طی مسیر کرده‌است.

او یک دو جین جایزه ادبی بابت داستان‌های کوتاه جنایی خود دریافت کرده‌است و به گفته خودش همین امر و سفرهای بسیاری که داشته، جسارت نوشتن رمان را به او داده است. او در جایی از مقدمه رمان وایولت نوشته است که در طول سفر خود در قطار سریع‌السیر سیبری شروع به خواندن کتاب «درباره نوشتن» استفان کینگ می‌کند و بعد از اتمام آن تصمیم می‌گیرد رمان اول خود را بنویسد. او اشاره دارد که سفر او به دور دنیا بود که باعث شد با آدم‌های زیادی روبه‌رو شود و همین آدم‌ها داستان‌های فراوانی را در ذهنش شکل دادند که او را به نوشتن رمان مجاب کرد. این همان مسیری است که بسیاری از اساتید داستان‌نویسی به هنجریان خود توصیه می‌کنند و در همه دنیا نیز بسته به نوع خود، قابلیت اجرا دارد.

آن هم در ژانری که می‌دانست می‌خواهد رمان‌هایش را در آن بنویسد. این‌که آیا چنین مسیری برای نویسندگان ایرانی وجود دارد یا نه، بسیار قابل بحث است. به عنوان نمونه برای یک نویسنده ایرانی داستان‌های کوتاه جنایی چقدر ظرفیت برای ارائه اثر وجود دارد، آیا اصلاً مجله ادبی تخصصی برای این ژانر داریم، مجلات ادبی موجود چه ظرفیتی از خود را به این ژانر اختصاص داده‌اند، جایزه ادبی خاصی برای داستان کوتاه وحشت و جنایی وجود دارد و... همین ظرفیت هاست که باعث شناخته شدن و پیشرفت کسانی مثل هالیدی در کشور خودو بعد دنیا می‌شود و حتی شرکت‌های فیلمسازی را ترغیب به خرید آثار آنها می‌کند. جالب است بگویم که حق ساخت فیلم وایولت توسط یکی از شرکت‌های فیلمسازی خریداری شده که به زودی وارد فرآیند تولید خواهد شد.

خیلی‌ها بر این باورند که ادبیات در هر جغرافیا باید کارکرد زیست خود را داشته باشد و لزومی ندارد از روی دست دیگری کپی‌کرد. به باور شما این موضوع محل توجه است؟

هو خیلی‌ها هم باور دارند تمام داستان‌های دنیا گفته شده‌اند و دارند در جغرافیا جدید بازتعریف می‌شوند و البته که کپی کردن هم اگر در ظرف درست خود انجام شود و با ذهنی سیال، آگاه و خلاق صورت پذیرد، می‌تواند آثار بسیار خوبی را بیافریند. در سینما شاهدیم که بسیاری از فیلم‌های معروف در کشورهای دیگر بازسازی شده و تغییر جغرافیا باعث می‌شود مفاهیمی بدیع در آنها وارد شود که حتی برای سازندگان نسخه اصلی هم دیدنی و کنج‌آورا انگیز است.

ادبیات هم از این قاعده مستثنی نیست و در طول تاریخ بارها شاهد چنین آثاری بوده‌ایم که موفق نیز بوده‌اند. ژانر تریلر هم جذابیت‌های این چنینی کم ندارد.

قصه‌گویی ۹۰ ثانیه‌ای روشی است برای حفظ ارتباط با گذشته

فناوری همیشه جلوتر از ما حرکت می‌کند و برای این‌که از گردونه عقب نمانیم باید همراه با تغییرات پیش برویم. شرمین نادری، داور مرحله پایانی بخش ۹۰ ثانیه‌ای جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی کانون پرورش فکری با بیان این موضوع گفت: واقعیت این است بچه‌های امروز دیگر برای شنیدن قصه با توجه به شرایط حال جامعه نمی‌توانند در کنار پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها باشند و یا اینکه در فضایی قرار بگیرند که برایشان قصه گفته شود. بنابراین بخش‌هایی مانند قصه‌گویی ۹۰ ثانیه‌ای باعث می‌شود تا با استفاده از فناوری روز و روش‌های نو حلقه ارتباط بچه‌ها با قصه‌گویی قطع نشود.وی تأکید کرد: من از وجود چنین بخش‌هایی در جشنواره قصه‌گویی به شدت استقبال می‌کنم زیرا در دو دوره‌ای که داور این بخش جشنواره بودم قصه آدم‌های زیادی را شنیدم. همچنین به واسطه قصه‌ها با محل زندگی قصه‌گوها آشنا شدم که این مساله از جذابیت بالایی برای من برخوردار بود. این نویسنده تصریح کرد: زمانی که می‌خواهیم میراث قصه‌گویی گذشتگان را حفظ کنیم باید به این نکته توجه داشته باشیم که کودک امروز با کودک ۴۰ سال قبل متفاوت است، به همین دلیل نیازهای متفاوت‌تری دارد بنابراین باید توانیم بین گذشته و حال پیوندی ایجاد و قصه‌ها را با سبک جدید برای کودکان اجرا کنیم.